

محمدحسین شجاعی^۱

سرنگونی نسبتاً سریع عسکر آقایف رئیس جمهور سابق قرقیزستان از مسند قدرت که ظاهراً در نتیجه نظاهرات معترضین به نتایج انتخابات پارلمانی در این کشور به وقوع پیوست موضوع مناسبی برای رسانه‌های بین‌المللی بود تا با مشابه‌سازی آن با تحولات قبل از آن در کشورهای اوکراین و گرجستان، این انتقال نسبتاً مسالمت‌آمیز قدرت به گروه‌های مخالف را به عنوان «انقلاب لاله‌ای» و در یک چارچوب کلی تر انقلاب‌های رنگی و دموکراتیک در کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق ارزیابی کنند. اما تحولات قرقیزستان گرچه در موضوعاتی همچون نارضایتی عمومی مردم از اوضاع اقتصادی کشور و وضعیت معیشتی خود، کنار گذاشتن نسل نخبان به‌جامانده از دوران شوروی، و موارد دیگر شباهتهایی با وقایع اوکراین و گرجستان داشت اما شاید از نظر انگیزه‌های واقعی ناراضیان و نحوه فیصله بحران تفاوت‌های عمده‌ای با آنها داشت. تحولات قرقیزستان را در واقع می‌توان به نوعی اعتراض جنوبی‌ها جهت تأمین مطالبات سیاسی و اقتصادی آنها و در همان حال حل و فصل بحران جانشینی در این کشور با نقش آفرینی مسکو قلمداد کرد. از این نظر شرایط جدید این کشور را بجز تغییر رئیس جمهور نمی‌توان چندان متفاوت از گذشته ارزیابی کرد.

سرانجام با ورود آخرین نفرات تظاهرکنندگان بیشکک به ساختمان سفید رنگ ریاست جمهوری حرکت اعتراض‌آمیز مخالفین در قرقیزستان در مدت کوتاهی توانست به نتیجه برسد تا با فرار رئیس جمهور آقایف به روسیه در ۴ فروردین ماه سالجاری (۲۴ مارس ۲۰۰۵) مجموعه انقلاب‌های رنگین در جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی رنگ تازه‌ای پیدا کند. «انقلاب» لاله‌ای قرقیزستان پس از وقایع معروف به انقلاب گل سرخ در گرجستان در سال ۲۰۰۳ و انقلاب نارنجی اوکراین در سال ۲۰۰۴، آخرین تغییر حاکمیت در نتیجه تظاهرات خیابانی بود که در عین حال بیانگر آغاز یک دوران تازه در این جمهوریها است. تغییر حاکمیت در قرقیزستان که

۱. آقای محمدحسین شجاعی، کارشناس ارشد مسائل آسیای مرکزی است.

آمریکا آن را تحقق دکترین «جهانی‌سازی ارزشهای دموکراتیک» تعبیر می‌کند، از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است.

از نظر سرعت به نتیجه رسیدن آن یعنی کوتاهی زمان شروع تظاهرات تا خروج آقاییف از کشور، آنچنانکه به گفته عادل بیسایف رهبر یکی از احزاب این کشور انقلاب قرقیزستان نه تنها برای دنیای خارج بلکه برای مخالفین در این کشور نیز دور از انتظار، سریع و زود هنگام بود^(۱)، از نظر نسبتاً کم بودن برخوردهای خشونت‌آمیز در آن و نیز از آن جهت که اولین کشور در آسیای مرکزی بود که دستخوش این تغییر و تحول عمده شده بود که طبعاً تکرار آن در دیگر کشورهای منطقه نیز می‌تواند قابل توجه باشد. در این مقاله، موضوعات مربوط به تغییر حاکمیت در قرقیزستان یا به تعبیر رسانه‌ای آن «انقلاب» لاله‌ای این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آغاز بحران

شروع تظاهرات مخالفین حکومتی در قرقیزستان با آغاز فعالیتهای انتخابات پارلمانی این کشور در سال گذشته آغاز شد. در ۱۹ دی ماه (۸ ژانویه ۲۰۰۵) حدود ۵۰ نفر از هواداران جنبش آتابورت (سرزمین پدری) در اعتراض به رد صلاحیت رهبر این جنبش خانم «رزا اتونبایوا» (وزیر خارجه فعلی قرقیزستان) برای شرکت در رقابتهای پارلمان دو چادر در برابر ساختمان مجلس برپا کردند.^(۲) کمیسیون انتخاباتی براساس قانون انتخابات که هر داوطلب بایستی ۵ سال قبل از انتخابات در کشور اقامت داشته باشد وی را بدلیل حائز نبودن این شرط از شرکت در رقابت برای کرسی‌های مجلس محروم کرده بود.^(۳) خانم اتونبایوا یک دیپلمات باتجربه از دوران شوروی و دو بار وزیر خارجه قرقیزستان طی این مدت و سفیر حکومت آقاییف در آمریکا، انگلستان و گرجستان بود. معترضین به شکل سمبولیک پارچه‌های نارنجی و قرمز به تن داشتند. تظاهرات معترضین با اعلام نتیجه این انتخابات در ماه بعد (فوریه ۲۰۰۵) ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد و در شهرهای جنوبی این کشور به ویژه جلال‌آباد روند اعتراضات که دولت را

متهم به تقلب در اعلام نتایج انتخابات می‌کرد با برگزاری دور دوم انتخابات در ۲۳ اسفندماه (۱۳) مارس) شکل تازه و خشونت‌آمیزی به خود گرفت که در جریان آن تظاهرکنندگان چند ساختمان دولتی و پاسگاه پلیس را در شهرهای جنوبی به تصرف خود درآوردند^(۴) و همزمان تظاهرات به منطقه شمال که رشته کوه‌های بلند تیان شیان آن را کاملاً از جنوب جدا کرده است سرایت کرد. باگسترش تظاهرات و اکنش‌های مختلفی نسبت به آن انجام شد. آقایف ادامه ناآرامیها را بسیار خطرناک، که می‌تواند منجر به بروز جنگ داخلی شود توصیف کرد و وزارت خارجه آمریکا طی اعلامیه‌ای در ۲۵ اسفندماه (۱۵ مارس) ضمن انتقاد از نحوه برگزاری انتخابات پارلمانی در قرقیزستان و تأیید نظر سازمان امنیت و همکاری اروپا مبنی بر این که «انتخابات این کشور با استانداردهای بین‌المللی مطابقت نداشته است». از دولت قرقیزستان خواست تا برای فرو نشاندن تظاهرات از روشهای صلح‌آمیز استفاده کند. البته قبل از آن نیز سفیر آمریکا در بیشکک حکومت آقایف را به خاطر ناتوانی در فراهم آوردن امکان انتخابات پارلمانی آزاد مورد انتقاد قرار داده و تظاهرات مخالفین در قرقیزستان را نمایانگر ناخشنودی مردم از ناتوانی حکومتشان در برقراری یک روند آزاد، عادلانه و شفاف توصیف کرد.^(۵)

تظاهرات در بیشکک در روزهای منتهی به خروج آقایف در ۲۴ مارس شکل بسیار خشنی پیدا کرد و به صورت چپاول و غارت مغازه‌ها که بعداً اعلام شد ۲۴ میلیون دلار خسارت در برداشته است و نهایتاً حمله به ساختمان ریاست جمهوری به آخرین مراحل خود رسید. آقایف حتی آنطور که مخالفانش می‌گویند بسیار زود هنگام صحنه را ترک کرد. وی سراسیمه به قزاقستان که مرز آن در فاصله کوتاهی با شهر بیشکک قرار دارد رفته و سپس راهی مسکو می‌شود و روز بعد آقای قربان‌بیک باقی‌اف^(۶) رئیس جمهور موقت اعلام شد. به این ترتیب «انقلاب» لاله‌ای قرقیزستان به ثمر می‌نشیند.^(۷)

آقایف بعد از خروج از کشور، آمریکا و سازمانهای بین‌المللی را مسئول برکناری خود عنوان کرد. وی طی مصاحبه‌ای در مسکو در مورد تحولات کشورش گفت: «مسلاً سازمانهای

بین‌المللی که خواستار صدور روندهای دموکراتیک به قرقیزستان بودند در زمینه برگزاری این انتخابات با جد و جهد از نیروهای مخالف حمایت می‌کردند. ولی باید بگویم که دقیقاً یک هفته قبل از وقوع این حوادث در شبکه جهانی اینترنت نقشه این انقلاب منتشر شده بود و این نقشه را استفن یانگ سفیر آمریکا در بیشکک تدوین کرده بود. من متأسفانه در این مورد هیچ توضیح شفاهی یا نوشتاری از سفارت آمریکا دریافت نکردم و این انقلاب دقیقاً براساس همان نقشه آقای یانگ صورت گرفت».

اگرچه سفارت آمریکا قبلاً در روز ۲۸ اسفندماه (۱۸ مارس) طی بیانیه‌ای هرگونه ارتباط آقای یانگ سفیر آمریکا با سند و با نقشه انقلاب مورد اشاره آقایف را رد کرده بود و بعداً بر جعلی بودن آن تأکید شد. اما نکاتی که در گزارش محرمانه منسوب به استفان یانگ آمده بود با رویدادهای موسوم به «انقلاب» لاله‌ای قرقیزستان تقریباً تطبیق کامل داشت.^(۸) از جمله نکات قابل توجه این گزارش برکناری پیش از موعد عسگر آقایف و اینکه در آینده می‌توان از قرقیزستان به عنوان پایگاهی برای پیشبرد فرآیند دموکراتیز کردن دیگر کشورهای آسیای مرکزی استفاده کرد.

آقایف همچنین در پیام استعفای خود که متن آن از رادیو و تلویزیون قرقیزستان پخش شد نیز بطور ضمنی به این موضوع اشاره داشت و ضمن درخواست برای برگزاری انتخاباتی منصفانه و آزاد برای گزینش رئیس جمهوری آینده هشدار داد نباید به آنچه که وی نیروهای خارجی نامید اجازه داده شود برای حل و فصل مسایل قرقیزستان در امور داخلی این کشور دخالت کنند.

نقش آمریکا در حمایت از تظاهرات و ناآرامی‌های این کشور هم چنان که در مورد اکراین و گرجستان نیز وجود داشت موضوعی کاملاً آشکار و علنی بوده و اصولاً یکی از ویژگی‌های مشترک در تغییر حاکمیت‌های این سه کشور روی آوردن مخالفین به آمریکا و حمایت این کشور از حرکت مخالفین بوده است. شاید در تحولات قرقیزستان وجه تمایز، چگونگی فیصله یافتن آن

و نقش مسکو در این جریان است به طوری که آقایف که پس از خروج همچنان بر غیرقانونی بودن تحولات انجام شده و موقعیتش به عنوان رئیس جمهور تأکید داشت سرانجام استعفای خود را در مسکو تهیه و اعلام کرد. همچنان که آقایف در آخرین سخنرانش، از روسیه بعنوان نزدیک‌ترین متحد کشورش قدردانی کرد شاید بتوان علت پایان یافتن سریع قضیه قرقیزستان را نیز در همین نقش پررنگ روسیه در تحولات این کشور جستجو کرد.

ریشه‌های بحران در قرقیزستان

قرقیزستان تا چندی قبل به عنوان «جزیره دموکراسی» نامیده می‌شد جایی که جوامع مدنی بهترین فرصت شکل‌گیری و فعالیت را در آن یافته بودند و آزادترین و متنوع‌ترین مطبوعات منطقه را داشت.^(۹) حکومت آقایف یکی از متحدان خوب غرب و روسیه بود و خود آقایف به عنوان یک چهره آکادمیک، علمی، روشنفکر و اصلاح‌گرا مورد توجه بود. وی که در سن پترزبورگ روسیه تحصیل کرده و به خاطر تحقیقات علمی و کتابهایش چند جایزه بدست آورده بود شخصیتی آرام و نسبتاً خجالتی که در سال ۱۹۸۶ به عنوان رئیس آکادمی علوم وارد حزب کمونیست قرقیزستان شد. اعتبار وی به عنوان یک فیزیکدان و متخصص اقتصاد باعث شده بود تا در سالهای پایانی دوران شوروی از جمله گروهی از متخصصان - نخبه‌ای باشد که مأمور مطالعه و ارائه طرحهایی برای انجام اصلاحات اقتصاد بازار در شوروی جهت نجات آن از بحران پیش روی شده بودند. وی در سال ۱۹۹۰ هنگامی که این کشور هنوز بخشی از شوروی بود رئیس‌جمهور کشورش شد. در سال ۱۹۹۱ پس از استقلال قرقیزستان با رأی مردم به سمت ریاست جمهوری برگزیده شد و مجدداً در سال ۱۹۹۵ برای دومین بار و در سال ۲۰۰۰ برای سومین بار به این سمت انتخاب شده بود که این آخرین انتخابات انتقادات زیادی از سوی مخالفین و نیز ناظرین بین‌المللی را در پی داشت. وی همواره تأکید داشت که در اکتبر سال جاری میلادی (۲۰۰۵) پس از پایان دوره ریاست جمهوری از این سمت کناره‌گیری و مجدد کاندید

نخواهد شد. آقایف از همان ابتدای استقلال کشورش توانسته بود ویژگی‌های متمایزی برای خود به عنوان یک رهبر روشنگر و اصلاح‌گرا در مقایسه با دیگر رهبران کشورهای آسیای مرکزی که هر یک در زمان شوروی یکی از مقامات برجسته کشورشان بودند و عمدتاً موقعیت حزبی‌شان باعث شده بود تا در مقام ریاست کشورشان قرار گیرند به وجود آورد. این در حالی بود که در زمان استقلال، کشور مشکلات زیادی داشت. صنایع متوقف شده بود کشاورزی کاملاً نابود شده و ارتباطات تجاری از بین رفته و نیاز شدیدی به ایجاد اعتماد بین‌المللی و باز کردن درهای کشوری که هیچ جایی در نقشه جهانی نداشت احساس می‌شد. رئیس جمهوری که خود را پدر کشور می‌دانست و در مواجهه با مخالفین تحمل زیادی از خود نشان می‌داد کسی که آخرین دستورش در مقام ریاست جمهوری (آنچنان که خود در پیام استعفایش عنوان کرده) این بود که «به سوی تظاهرکنندگان شلیک نشود»^(۱۰). به گفته وی با صدور دستور خودداری از تیراندازی به سوی تظاهرکنندگانی که به کاخ ریاست جمهوری هجوم آورده بودند از بروز جنگ داخلی در قرقیزستان جلوگیری کرد.

آقایف در طول ۱۵ سال دوران زمامداریش توانسته بود یک موازنه قدرت نسبتاً متناسبی میان روسیه و آمریکا در کشورش به وجود آورد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نیویورک و طرح موضوع جنگ با تروریسم، قرقیزستان اولین کشور منطقه بود که به آمریکا و دیگر متحدین غربی‌اش اجازه داد تا در فرودگاه بیشکک پایگاهی برای خود ایجاد کنند. بعد از آن نیز به روسیه امکان راه‌اندازی مجدد یک پایگاه هوایی در شهر کانت در نزدیکی پایتخت ارائه کرد.^(۱۱)

همچنین با همسایه بزرگش چین نیز روابط بسیار نزدیکی برقرار کرده بود. توافق مرزی چند سال قبل با چین که به گفته مخالفین در نتیجه آن بخش‌های قابل توجهی از مناطق مرزی به چین واگذار شده بود یکی از موضوعات مهم روابط این دو کشور بود.

در همانحال، قرقیزستان به بهترین محل برای فعالیت سازمانهای مختلف بین‌المللی و نیز غیردولتی (NGOها) در منطقه تبدیل شده بود. این کشور علیرغم داشتن اقتصادی بسیار

ضعیف (از ضعیف‌ترین جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی از این نظر) و با اینکه بیش از ۴۰ درصد از مردمش با درآمدی حدود ۲۵ دلار در ماه، زیر خط فقر زندگی می‌کنند^(۱۲) و بخشی از درآمدهای دولت از طریق کمکهای خارجی تأمین می‌شود اولین کشور در آسیای مرکزی بود که به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد.

همچنین، در طول این دوران تلاش زیادی برای جذب سرمایه‌های خارجی به عمل آمد. «اطمینان دارم در آینده، دوره آقایف بخشی درخشان را در تاریخ قرقیزستان تشکیل خواهد داد. زیرا من هر آنچه که در توان داشتم برای این کشور انجام دادم و حالا بگذارید کسی که پس از من زمام امور را در دست می‌گیرد خدمات بیشتری بکند.»^(۱۳)

تلاش برای حفظ قدرت از طرق مختلف

از نظر مخالفین، آقایف، به ویژه در سالهای اخیر تلاش زیادی برای به انحسار درآوردن موقعیتهای سیاسی و اقتصادی بعمل آورده بود و از این طریق خود، خانواده و نزدیکانش از مزایای اقتصادی زیادی بهره‌مند شدند. شاید چندان بی‌دلیل نبود که در جریان تظاهرات بیشکک بیشتر فروشگاههای بزرگ مورد حمله قرار گرفته و غارت شدند. شایع بود که به نوعی خانواده آقایف در مالکیت این فروشگاهها سهم دارد. اتهامات مربوط به سوءاستفاده‌های مالی خانواده آقایف آنچنان گسترده و مورد پذیرش عامه بود که به عنوان نمونه مقاله ۸ فوریه روزنامه^(۱۴) MNS که فهرستی از ثروت آقایف را منتشر کرده بود به سرعت تبدیل به یک بهانه و انگیزه قوی برای اوج‌گیری تظاهرات مخالفین می‌شود. از نظر به انحسار درآوردن قدرت سیاسی و کنار گذاشتن مخالفین نیز انتقادات زیادی به آقایف می‌شد. به طوری که در نتیجه آن رقابت زیادی میان نزدیکانش برای کسب قدرت سیاسی به وجود آمده بود. در همان حال، در طول سالهای گذشته وی تلاش داشت خود را رهبری بدون بدیل در قرقیزستان مطرح کند و دیگر کسانی که به نوعی می‌توانستند نوعی رقابت یا خطر برای وی ایجاد کنند به نحوی از صحنه کنار

گذاشته شدند. در جریان تظاهرات ریاست جمهوری که انتقاد زیادی نسبت به کاندید شدن وی وجود داشت و مخالفین با طرح یک ایراد قانونی که این دوره به عنوان دوره سوم ریاست جمهوری محسوب می‌شود و عملاً آقایف نمی‌تواند برای آن کاندید شود هم به نوعی مخالفین خاموش شدند. در آن زمان فلیکس قوفل شهردار سابق بیشکک که می‌توانست به عنوان رقیب آقایف مطرح شود به اتهام سوء استفاده از قدرت در دوران مسئولیت قبلیش به عنوان وزیر امنیت بازداشت و به زندان محکوم شد. محکومیتی که اکثر مخالفین آن را یک محکومیت سیاسی عنوان کردند. تلاش برای اینکه در عمل چهره‌ای که بتواند در اندازه یک رئیس جمهور و رقیب برای آقایف مطرح شود وجود نداشته باشد نسبتاً تا آنجا موفقیت به دست آورده بود که حتی در جریان تظاهرات اعتراض آمیز اخیر در مخالفت با نتایج انتخابات پارلمانی که نهایتاً به سقوط آقایف منجر شد نیز تا مدت‌ها بر سر اینکه چه کسی بتواند رهبری مخالفین را به دست بگیرد و به عنوان یک رهبر در برابر وی مطرح شود تردید وجود داشت و این نشان می‌داد که تا چه حد این سیاست توانسته بود نتیجه‌بخش باشد. آقایف باقی‌یاف رئیس جمهور فعلی و موقت قرقیزستان نیز عمدتاً در مراحل آخر و به عنوان رهبر تظاهرات بیشکک و کسی که پس از خروج آقایف و تصرف کاخ ریاست جمهوری زمام اوضاع را در دست گرفت توانست برای مخالفین به عنوان یک رهبر سخنرانی کند. خود وی تا ماه می سال ۲۰۰۲ نخست‌وزیر منتخب آقایف بود و پس از تظاهرات خشونت‌آمیز در این سال در منطقه آق سوی در جلال‌آباد (همان شهری که تظاهرات اخیر نیز از آنجا آغاز شد) که در اعتراض به دستگیری یک نماینده پارلمان «بیک نظراف» که در موضوع حل و فصل مسائل مرزی با چین معترض بود، شروع و در جریان آن تعدادی از مردم کشته و زخمی شدند، مجبور به کناره‌گیری از سمت خود شد.^(۱۵) در جریان این حادثه خشونت‌آمیز آقایف در پیامی اظهار داشته بود که «به عنوان رئیس جمهور موظفم از تمام حقوق و امکاناتی که براساس قانون اساسی به من واگذار شده است در جهت حفظ نظم و آرامش استفاده کنم».

مشکلات همچنان ادامه دارد

در زمینه توسعه اقتصادی و نیز بهبود وضعیت معیشت مردم قرقیزستان نیز در سالهای اخیر علیرغم باز کردن کامل درهای کشور بر روی خارج و ارائه امکانات کامل برای فعالیتهای سازمانها و مؤسسات بین‌المللی و ارتباطات گسترده و چرخش بیشتر به سوی غرب، برخلاف تصور اولیه به هیچ‌وجه افزایشی در رفاه و بهبود اوضاع اقتصادی صورت نگرفت و از این طریق بهره‌چندانی نصیب کشور نشد و اکثریت افراد جامعه هر روز نسبت به گذشته فقیرتر شده و در همانحال فاصله میان یک قشر افراد ثروتمند با اکثریت فقیر هر چه بیشتر افزایش یافت و عملاً جز فقر، بیکاری و مشکلات اجتماعی گسترده‌تر و ناامیدی از حاکمیت و سیاستمداران نتیجه‌ای حاصل نشد.

البته، در زمینه مشکلات اقتصادی نمی‌توان تنها حاکمیت‌های ملی در کشورهایی چون قرقیزستان را مسئول تمامی مشکلات قلمداد کرد زیرا که اغلب این کشورها در زمینه اقتصادی مجری طرحها و سیاستهای دیکته شده مؤسسات مالی بین‌المللی بوده‌اند. به طوری که یکی از کشورهای نمونه در جهت اجرای برنامه و سیاستهای مؤسسات مختلف بین‌المللی در جمهوری‌های سابق شوروی قرقیزستان بود. اما ناتوانی حاکمیت در ایجاد ساختارهای اداری-اقتصادی و مدنی کارآمد و مؤثر که گریبانگیر اکثر کشورهای آسیای مرکزی است باعث شد تا وضعیت کلی کشور هر چه بیشتر رو به وخامت گذارد.

تحولی که به نام انقلاب لاله شناخته شد نیز در واقع نارضایتی و اعتراض اکثریت جامعه به وضعیت موجود و مشکلاتی که با آن دست به گریبان هستند بود که در قالب بحران جانشینی و انتقال قدرت حاکم تجلی پیدا کرد. به عبارت دیگر، عمده‌ترین و ضروری‌ترین موضوع مورد توجه مردم در این کشور و دیگر جمهوری‌های سابق شوروی بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت زندگی است. موضوعی که علیرغم تحولات اخیر در این کشور و تغییر حاکمیت آن و با فروکش کردن هیجان اعتراضات علیه آقایف به سرعت خود را نشان می‌دهد و رئیس‌جمهور آینده

بایستی به منظور جلوگیری از بروز بحرانهای جدید برای آن راه حل عملی ارائه کند و به سرعت رفاهی نسبی در جامعه به وجود آورد.

بنابراین تا زمان تحقق این وضعیت و به وجود آوردن نهادهای کارای حکومتی و یافتن راه حلی برای چگونگی توزیع قدرت مورد قبول همگان در جامعه قبیله‌ای این کشور و در همان حال بهبود وضعیت اقتصادی و اوضاع معیشتی مردم، مشکلات سیاسی در این کشور همچنان ادامه خواهد داشت.

تحولات قرقیزستان و «انقلاب» لاله‌ای آن گرچه از جنبه‌های مختلفی همچون اعتراض به نتایج انتخابات و دخالت‌های حاکمیت در آن و نیز تسلسل زمانی آنها شباهتهایی با «انقلاب‌های» مخملین گرجستان و اکراین دارد، اما در همان حال تفاوت‌های اساسی با یکدیگر نیز دارند. نیروی عمده محرک در گرجستان و اکراین «تصور سهیم شدن در آینده‌ای بهتر و اروپایی شدن بود» (۱۶) قدرتمندترین شعار در خیابانهای تفلیس و کیف «فردا در اروپا» بود و آنها کاملاً آگاه بودند که پیروزی مخالفین به معنی باز شدن راه برای ادغام در اروپا بود در حالی که برای معترضین قرقیز چنین انگیزه‌ای متصور نبوده است.

«انقلاب» لاله‌ای قرقیزستان را می‌توان از یک جهت قیام جنوبی‌های (۱۷) همواره معترض به تضييع حقوق شان توسط شمالی‌ها قلمداد کرد که بایستی در قالب جغرافیای قدرت در این کشور تفسیر شود که با نارضایتی‌های اقتصادی و عمدتاً نسبت به وضعیت موجود و ناخشنودی از سیاستمداران حاکم و شخص آقایف تحریک و تقویت شده بود. (۱۸) اوج تظاهرات و شدت درگیری‌ها نیز عمدتاً در جنوب کشور بود و تنها در آخرین روزها به شمال و پایتخت سرایت کرد. (۱۹) اخبار زیادی نیز وجود داشت که برای انجام تظاهرات عده‌ای از مناطق اطراف به پایتخت آورده شده بودند و از این نظر شهروندان بیشکک کمتر احساساتی شبیه دیگر هموطنانشان در جنوب از خود نشان دادند. خاتمه بسیار سریع تحولات و کناره‌گیری آقایف از قدرت و نقش آفرینی روسیه را نیز در همین راستا می‌توان جستجو کرد. به عبارت دیگر،

اوج‌گیری ناآرامی‌ها در جنوب و در جامعه قبیله‌ای قرقیزستان به سرعت می‌توانست درگیری قومی منطقه‌ای، به یک بحران غیرقابل کنترل با احتمال زیاد سرایت آن به دیگر مناطق آسیای مرکزی و به ویژه دره بالقوه دارای بحران «فرغانه» تبدیل شود. خود آقایف نیز قبلاً در مصاحبه با یک روزنامه روسی گفته بود: «بسیاری از مردم آگاه نیستند ما در آسیای مرکزی ویژگی‌های بارز و خاص خودمان را داریم و طرح‌های تغییر رژیم در اینجا به آسانی می‌تواند به جنگ داخلی تبدیل شود».^(۲۰) بنابراین، ضرورت اوضاع این اجماع منطقه‌ای را به وجود آورده بود تا انقلاب مخملین قرقیزستان هر چه زودتر به ثمر بنشیند و در عین حال بحران جانشینی این کشور نیز حل شود.

یادداشت‌ها

1. NIcola kastov www.rferl.

۲. رقیب خانم اتو نیایوا در انتخابات پارلمانی برمت دختر آقایف بود که به نمایندگی در پارلمان جدید انتخاب شد.

3. www.Eurasia.org.net

4. *Kyrgyzstan Daily Digest*

۵. فرانس پرس، ۱۶ مارس ۲۰۰۵.

۶. خیرگزاری قرقیزستان.

۷. روز قبل از آن دادستان کل قرقیزستان اعلام کرده بود که دفترش سرگرم جمع‌آوری اطلاعات علیه باقی‌اف رهبر مخالفین به اتهامات جنایی می‌باشد.

8. BBC

9. International Crisis Group (ICG)

10. B.B.C

۱۱. بعد از تحولات اخیر زمزمه ایجاد دومین پایگاه روسیه در جنوب قرقیزستان نیز وجود دارد.

12. World Fact Book - Kyrgyzstan

13. B.B.C.

Moys Stolitsa Norost

۱۴. روزنامه اخبار پایتخت من

15. *Kyrgyzstan Daily Digest*

16. *Eurasia Daily Monitor*, volume 2, ISSUE 59.

۱۷. کشور عمدتاً کوهستانی قرقیزستان به دلیل وجود رشته کوههای مرتفع تقریباً به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. پایتخت بیشکک در شمال واقع و عمدتاً قدرت سیاسی و اقتصادی در دست شمالی‌ها بوده. به همین جهت به منظور ایجاد توازن و پاسخ به انتظارات جنوبی‌ها همواره تلاش شده تا نخست‌وزیر از جنوب کشور انتخاب شود. در همانحال، منطقه جنوب از نظر بافت قومی آن، مسائل اجتماعی، مذهب و دیگر موضوعات تفاوت‌های اساسی با منطقه شمال داشته. مضافاً قرار داشتن آن در منطقه بالقوه دارای بحران فرغانه این تفاوتها را بارزتر می‌کند. این منطقه در طول سالهای گذشته چندین بار درگیری‌های خشونت‌آمیز را شاهد بوده است. از جمله درگیری قومی سال ۱۹۹۱ که طی آن عده قابل توجهی کشته و زخمی شدند.

۱۸. برخلاف قرقیزستان، در گرجستان و اوکراین تظاهرات و مخالفتها در پایتخت‌های دو کشور با حضور چند صد هزار نفری مردم انجام شد. در حالی که بیشکک تا آخرین ساعتها به آقایف وفادار ماند.

19. B.B.C

20. B.B.C